Islam and Health Journal
نشریه اسلام و سلامت
e-ISSN: 2383-191X p-ISSN:2383-2177
دانشگاه علوم پزشکی بابل

Jurisprudential-medical investigation of the influence of the father's shame in abortion treatment before ensoulment

Reza Heydarian Baei (PhD) [1]*, Hadi Mahmodian Barezi (PhD) [2]

1. Department of Islamic Studies, School of Medicine, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.
2. Qom Seminary, Qom, Iran.

Article Type:
Review Paper

Received:
17 Oct. 2023
Revised:
19 Dec. 2023
Accepted:
31 Dec. 2023
Published Online:
21 Jan. 2024

ABSTRACT

Background and aim: Abortion is one of the most important jurisprudential-medical and legal issues, which receives great attention due to the inherent dignity of human beings. Therefore, Islamic jurisprudence, considering the right to life and the inherent dignity of human beings, comprehensively and completely deals with all aspects of abortion, and the only place where abortion is allowed is the conflict between the life of the mother and the life of the fetus, and this is before fetus ensoulment, and it is not permissible to perform abortion after ensoulment. However, considering that the mother is not the only participant in the birth and care of the child, and it is a mutual responsibility that the parents must undertake as a couple, a question is thus raised: Does father's hardship and shame justify abortion?

Materials and methods: To find the answer to the above question, we decided to explain and analyze the viewpoints of jurists and their evidence using the descriptive-analytical method and the collection of documentary-written materials, through the collection of opinions and the comparison of their viewpoints in library references and applications.

Findings: The findings of the research show that the father's hardship and shame does not grant permission for abortion; rather, there must be something more important than the life of the fetus for abortion to be permitted.

Conclusion: By analyzing the views of the jurists, it was found that the father's hardship and shame cannot be a valid reason for granting permission for abortion. For this reason, the point of view of the jurists who consider the hardship and shame of the father as a reason for the permissibility of abortion, can be analyzed and criticized.

Keywords: **Abortion, Hardship and shame, Father, Islamic jurisprudence, Medical**

Cite this article: Heydarian Baei R, Mahmodian Barezi H. Jurisprudential-medical investigation of the influence of the father's shame in abortion treatment before ensoulment. Islam and Health Journal. 2023; 8(2): 10-19.

© The Author(s).
Publisher: Babol University of Medical Sciences

*Corresponding Author: Reza Heydarian Baei
Address: Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.
E-mail: Reza.3013@yahoo.com

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

Islam and Health Journal
نشریه اسلام و سلامت
e-ISSN: 2383-191X p-ISSN:2383-2177
دانشگاه علوم پزشکی بابل

بررسی فقهی– پزشکی تأثیر حرج پدر در سقط درمانی قبل از ولوج روح

رضا حیدریان بائی (PhD) [1*]، هادی محمودیان بارزی (PhD) [2]

۱. گروه معارف، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.
۲. حوزه علمیه قم، قم، ایران.

چکیده

نوع مقاله: مقاله مروری

دریافت: ۱۴۰۲/۷/۲۵

ویرایش: ۱۴۰۲/۹/۲۸

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۰

انتشار: ۱۴۰۲/۱۱/۱

سابقه و هدف: سقط جنین از مسائل مهم فقهی–پزشکی و حقوقی می‌باشد که به دلیل کرامت ذاتی انسان‌ها، دقت بالایی در آن صورت می‌پذیرد؛ لذا فقه اسلامی بر مبنای حق حیات و کرامت ذاتی انسان به صورت جامع و کامل به همه‌ی ابعاد سقط جنین پرداخته و تنها جایی که حکم به جواز سقط جنین شده، تعارض حیات مادر با حیات جنین است و این هم تا قبل از ولوج روح در جنین است و با ولوج روح در جنین دیگر سقط جنین جایز نیست؛ اما با توجه به اینکه صرفاً مادر سهیم در ولادت و امور نگهداری و حضانت کودک نیست، بلکه مسئولیتی دو سویه است که والدین به صورت توأمان باید به آن مبادرت ورزند، از این‌رو مسأله‌ی مطرح‌شده چنین است که آیا وجود عُسر و حرج برای پدر سبب جواز سقط جنین می‌شود؟

مواد و روش‌ها: برای یافتن پاسخِ پرسش فوق، به تبیین و تحلیل دیدگاه‌های فقهاء و ادلّهٔ ایشان با استفاده از روش توصیفی–تحلیلی و گردآوری مطالب اسنادی–نوشتاری، از طریق جمع‌آوری آراء و مقارنهٔ دیدگاه‌های ایشان در منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری پرداخته شد.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که صرف عُسر و حرج پدر سبب تجویز سقط جنین نمی‌شود؛ بلکه باید امری مهمتر از حیات جنین وجود داشته باشد تا بتوان حکم به جواز سقط جنین داد.

نتیجه‌گیری: با تحلیل دیدگاه‌های فقهاء چنین به‌دست آمده که عُسر و حرج پدر نمی‌تواند دلیلی موجّه برای جواز سقط جنین باشد. به همین جهت دیدگاه فقهائی که عُسر و حرج پدر را دلیلی بر جواز سقط می‌دانند، قابل تحلیل و نقد است.

واژگان کلیدی: سقط جنین، عسر و حرج، پدر، فقه اسلامی، پزشکی

استناد: رضا حیدریان بائی، هادی محمودیان بارزی. بررسی فقهی–پزشکی تأثیر حرج پدر در سقط درمانی قبل از ولوج روح. نشریه اسلام و سلامت. ۱۴۰۲؛ ۸(۲): ۱۹–۱۰.

© The Author(s)
Publisher: Babol University of Medical Sciences

* **مسئول مقاله:** رضا حیدریان بائی
آدرس: بابل، خیابان گنج افروز، دانشگاه علوم پزشکی بابل.
رایانامه: Reza.3013@yahoo.com

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

مقدمه

سقط جنین مسأله‌ای است که عوامل مختلفی می‌توانند سبب حکم به جواز یا عدم جواز آن شوند؛ با توجه به گسترده بودن مسأله سقط و نقش‌های مختلف افراد در تعیین جواز یا عدم جواز سقط، باید گفت، سقط جنین یکی از موضوعاتی است که در عصر فعلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع به علت‌های مختلف ازجمله اجتماعی، فرهنگی و پزشکی روزافزون بوده و خانواده‌های زیادی را به آن مبتلا و دچار کرده است و با توجه به مسائل پزشکی در رابطه با این قضیه، منجر به مباحث حقوقی و گرفتاری خانواده نسبت به این امر شده است و یکی از حقوق مسلمی که قانون‌گذار به موجب ماده ۵۶ قانون جمعیت مصوب ۱۴۰۰ با شرایطی که در نظر گرفته زن می‌تواند با حصول شرایط مقرر، اقدام به سقط درمانی کند.

تولد فرزند ناقص همان‌گونه که برای مادر ایجاد مسئولیت مضاعف می‌کند برای پدر نیز مسئولیت به بار می‌آورد و چه بسا در طول مدت، مسئولیت پدر از نظر شرعی بسیار از مسئولیت مادر باشد و این مسئولیت در فرزندان ناقص موجب حرج شدید برای پدر می‌باشد. حال سؤال این‌جاست که آیا با وجود حرج برای پدر حرمت سقط رفع می‌گردد و شرعاً این اجازه برای مادر وجود دارد که اقدام به سقط کند یا رفع حرمت سقط، اختصاصاً در گرو حرج مادر است؟

مواد و روش‌ها

نگارندگان در پژوهش حاضر به تبیین و تحلیل دیدگاه‌های فقهاء و ادلّهٔ ایشان با بهره‌گیری از روش توصیفی–تحلیلی و گردآوری مطالب اسنادی–نوشتاری، از طریق جمع‌آوری آراء و تطبیق دیدگاه‌های ایشان به کمک منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری پرداخته‌اند تا با استفاده از مبانی و منابع معتبر فقهی به تبیین نقش عُسر و حرج پدر در جواز سقط و سپس پاسخ به ابهامات مطرح‌شده در این رابطه دست یابند.

یافته‌ها

۱- مفهوم‌شناسی

مفهوم سقط درمانی

شایع‌ترین عارضه بارداری سقط جنین است. این جمله یعنی این که شایع‌ترین مشکل و خطری که یک خانم باردار و جنین او را تهدید می‌کند، سقط است. سقط جنین گاهی با تشخیص و دستور پزشک بوده و آن در جایی است که ادامه بارداری برای سلامتی مادر خطرناک و یا جنین ناقص باشد و گاهی بدون سبب و از روی عمد اتفاق می‌افتد که این مورد از طرف مکاتب اخلاقی، حقوقی و فقه اسلامی ناپسند، جرم و گناه شمرده شده است.

سقط جنین همواره دربرگیرنده چالش‌هایی در حوزه‌های اخلاقی، حقوقی، دینی، فلسفی و بهداشت باروری بوده است. اغلب کشورها در برهه‌های مختلف زمانی برخوردهای متفاوتی با موضوع سقط جنین داشته‌اند. امروزه سقط جنین یکی از مباحث مهم حوزه پزشکی ایران است. تحولات اجتماعی و افزایش سطح سواد سلامت و آگاهی و مشارکت زنان در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی منجر به ناسازگاری جنبه‌های نظری و عملی در این حوزه‌ها شده است و زنان در مواقعی، بدون توجه به احکام شرعی و قوانین کیفری اقدام به سقط جنین می‌کنند (۱).

مفهوم سقط

واژه سقط (سَقَطَ یَسقُطُ سُقُوطاً) در لغت عربی به معنای افتادن، انداختن، سقوط و بر زمین افتادن است (۲ و ۳).

«سقط الولد من بطن امه» فرزند از شکم مادرش خارج شد. در رابطه با سقط جنین هم به این تعبیر آمده است: «الولد الذی یسقط وینزل من بطن امه قبل تمامه» (۴).

مفهوم جنین

جنین در لغت به‌معنای آنچه پوشیده و پنهان است (۵) و به بچه در رَحِم مادر از آن رو که پوشیده و پنهان است، مادامی که در رحم مادر است، جنین گفته می‌شود (۶). در علوم زیستی و جنین‌شناسی، به موجود حاصل از لقاح از سه تا هشت هفتگی رویان و پس از هشت هفتگی تا زمان تولد، جنین گفته‌اند (۷). واژه جنین در متون فقهی و حقوقی مترادف با «حَمْل»، یعنی بچه در رحم مادر از ابتدای بارداری تا تولد، به‌کار می‌رود (۸).

مفهوم سقط جنین

سقط جنین در لغت به معنای «افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم» است (۹)؛ سقط جنین، به معنای پایان یافتن بارداری در هر مرحله‌ای است که زندگی نوزاد در جریان است، اگرچه غالباً به لحاظ فنی و تخصصی، خاتمه یافتن بارداری به واسطهٔ جراحی یا خارج کردن جنین یا رویان از رحم (پیش از آن‌که

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

قادر به ادامه حیات باشد) را سقط جنین می‌گویند (۱۰). سقط جنین یعنی خارج کردن غیرطبیعی جنین از رحم زن باردار قبل از موعد طبیعی وضع حمل، به‌وسیله‌ی مادر یا هر کس دیگر، به قصد نابود کردن جنین، به‌طور کلی، سقط جنین به سه شکل «جنایی»، «درمانی» و «خودبه‌خودی» امکان‌پذیر است (۱۱).

۲- دیدگاه جواز سقط جنین در فرض حرج پدر

گفتار اول: تبیین فقهی حکم جواز

پیشرفت‌های گسترده در دانش پزشکی و جنین‌شناسی موجب فراهم شدن امکانات گوناگون برای آگاهی از وضعیت جنین و ناهنجاری‌های جسمی آن در دوران بارداری شده است. همین امر سبب پدید آمدن پرسش‌های نوین فقهی درباره سقط جنین شده است. از سوی دیگر تحولات فرهنگی و اجتماعی در دنیای امروز نیز زمینه‌ساز طرح پرسش‌هایی درباره سقط جنین گردیده است. بیشتر این پرسش‌ها و پاسخ به آن‌ها ر ا نمی‌توان در منابع فقهی گذشته یافت. از این‌رو، مهمترین منابع برای تبیین موارد جواز و عدم جواز سقط جنین، آثار فقهی جدید، خصوصاً استفتائات است (۱۲).

فقها بدون هیچ اختلافی در بیان حکم اولی، سقط جنین را در حال اختیار حرام دانسته‌اند (۱۳ و ۱۴). برخی نیز بر آن، ادعای اتفاق نظر فقیهان را دارند (۱۷-۱۵). ولی در مورد عسر و حرج اجازه سقط داده شده است. آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ استفتایی در مورد سقط جنین‌هایی که مبتلا به بیماری‌های شدید باشند، به‌طوری‌که از بدو تولد تا پایان عمر دائماً در وضع مشقت‌باری به‌سر برند، می‌فرماید: «اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگه‌داری چنین فرزندی موجب حرج باشد، در این صورت جایز است قبل از دمیده شدن روح، جنین را سقط کنند» (۱۸).

همان‌گونه که در فتوای مقام معظم رهبری دیده می‌شود، جواز سقط در حرج پدر در کلمات فقهای بسیاری مورد اشاره قرار نگرفته است؛ ولی برخی از فقها حرج پدر را نیز موضوع این حکم دانسته‌اند.

گفتار دوم: ادله‌ی فقهی حکم جواز

پاسخ به پرسش اصلی پژوهش در گرو بررسی مسئله در میان ادله فقهی مسئله است. بدین منظور لازم است دامنه عسر و حرج بررسی گردد تا مشخص شود تا چه اندازه وسیع است و آیا عسر و حرج پدر نیز می‌تواند موضوع حکم جواز باشد؟

در این بند قواعدی که ممکن است از آنها برای نقش حرج پدر جواز سقط استناد کرد مورد بررسی قرار می‌دهیم. قبل از ورود به قواعد مربوط به عناوین ثانوی برای اثبات رفع حرمت سقط از پدر، نیازمند روشن‌گری نسبت به جایگاه پدر نسبت به جنین هستیم.

قاعده‌ی نفی حرج

جریان قاعده‌ی نفی حرج در حرج‌های شأنی و استقبالی مشروط به تحقق قطعی حرج شدید در آینده است و در شرایطی که با تشخیص قطعی یا نزدیک به قطع محرز شود که نقص عملکرد یا بیماری جنین به یقین موجب تحمل‌ناپذیر بودن نوزاد بعد از تولد و یا توأم با مشقت فراوان برای مادر در نگهداری و پرورش او باشد، منعی برای سقط نخواهد بود، مگر آنکه دیگری بتواند عهده‌دار نگهداری طفل شود؛ بنابراین باید توجه داشت که صرف نقص عملکرد نوزاد از نظر فقهی، ملاک سقط جنین نیست، مادامی که تحت عنوان حرج مادر مندرج نباشد. همچنین با توجه به آیاتی که نهی صریح از قتل اولاد از ترس فقر دارد، (۱۹) چنانچه ناهنجاری جنین فقط مستلزم مخارج سنگین و حرج مالی برای نگهداری او باشد، تنها حکم وجوب انفاق برداشته می‌شود نه حرمت اسقاط و مخارج این کودک پس از تولد و ناتوانی ولی بر تأمین مخارج آن، برعهده‌ی بیت‌المال خواهد بود؛ بنابراین در این موارد حرمت سقط باقی است. پس اگر به تحقق حرج در زمان آینده قطع و یقین وجود نداشته باشد، بلکه صرف احتمال عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن وجود داشته باشد، مجوزی برای سقط جنین نخواهد بود.

از این‌رو، طریق احراز عقب‌افتادگی یا ناقص‌الخلقه بودن پس از تولد و تحقق حرج نیز بسیار مهم است؛ به‌طوری‌که اگر دستگاه‌های تشخیصی با استناد به آمار معتبر خطا داشته باشد و نتوان به آن‌ها اعتماد کرد، به سبب احتمالی که تحقق آن قطعی نیست، حکم حرمت سقط جنین رفع نخواهد شد، زیرا زمانی حرج در تکالیف، مشمول این قاعده و مرفوع است که موضوع آنکه مشقت قطعی است، محقق شود و بدون تحقق موضوع، حکم حرج جاری نمی‌شود. به‌همین جهت در کتب بسیاری از فقها اشاره شده که حرج باید مقطوع و یقینی باشد (۲۰). و چنین نیست که هرگونه احتمال حرج مجرای این قاعده باشد.

استدلال کلی برای جواز سقط ناشی از حرج پدر به ادله حرج به این شکل است که با تولد فرزند احکام شرعی مختلفی اعم از وجوب پرداخت نفقه و حفظ و نگهداری فرزند بر پدر بر دوش پدر خواهد آمد و او نسبت به این امر در فرض نقصان فرزند دچار حرج است و همچنین از وظایف پدر حفظ جنین است که در فرض مسئله برای پدر حرجی است و بنابر اطلاق ادله‌ی حرج شارع مقدس احکام حرجی بر هیچ‌کس ایجاد نکرده است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد طبق ادله قاعده لاحرج پدر الزامی به حفظ و نگهداری فرزند ندارد و ادله حرمت سقط شامل وی نمی‌شود.

ادله نقلی اعم از آیات و روایات به عنوان جواز سقط جنین در فرض حرج پدر، قابل تمسک است که در این قسمت به آن‌ها می‌پردازیم.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

الف) آیات

از جمله آیات مورد استناد در اثبات قاعده لاحرج، عبارتند از:

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ» (۲۱)؛ با توجه به سیاق این آیه و آیات قبل، نفی حرج مندرج در آیه، ناظر به احکامی است که در این آیه و آیات مقدم بر آن در ابتدای سوره مائده آمده است و به‌علاوه، به علت عمومیت و اطلاقی که دارد همه احکام شرع را دربر می‌گیرد و شامل کلیه مقررات اسلامی می‌شود (۲۲).

الف) روایات

روایت‌های متعددی نیز از معصومان (ع) نقل شده که مبنای قاعده نفی عسر و حرج قرار گرفته است (۲۳).

۱. روایت عبد الاعلی مولی آل سام که در کتاب‌های کافی و تهذیب و استبصار نقل شده است. در این روایت، راوی به امام صادق (ع) می‌گوید که به زمین افتاده و ناخن وی جدا شده و انگشت خود را با پارچه بسته است، حال چگونه باید وضو بگیرد. امام (ع) می‌فرماید: حکم این قضیه و نظایر آن از کتاب خدا روشن می‌شود؛ زیرا خداوند فرموده است که در دین بر شما حرجی قرار داده نشده است؛ پس بر آن مسح کن (۲۴).

قواعد

الف) قواعد لاضرر

قاعده لاضرر که از حدیث مشهور نبوی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» گرفته شده است، شباهت زیادی با لاحرج دارد؛ چون کار هر دو نفی حکم است و هر دو بر احکام شرعی حاکم‌اند و بسیاری از اوقات دشواری و زیان با یکدیگر توأمند. البته این تفاوت در مورد این دو قاعده گفته شده که عسر و حرج، بیشتر احکام تکلیفی را بر می‌دارد؛ اما لاضرر هم شامل حکم تکلیفی و هم حکم وضعی است (۲۵). از طرف دیگر می‌توان این تفاوت را قائل شد که ضرر نقص و کاستی در مال، بدن، آبرو و مانند آن است و آنچه نقص و کاستی نباشد، ضرر نام نمی‌گیرد؛ ولی حرج می‌تواند مشقت شدید باشد، بی‌آنکه نقصان و کاستی در برداشته باشد (۲۶). تعیین معنی درست ضرر در این قاعده، برعهده عرف گذاشته شده است. این قاعده هر دو ضرر مادی و معنوی را دربر می‌گیرد.

ب) قاعده تزاحم

تزاحم از ماده زحمت است و در اصطلاح هرگاه در مقام امتثال برای یکدیگر زحمت و مزاحمتی فراهم نمایند که نتوان به هردو عمل کرد این وضع را تزاحم گویند (۲۷) و تعریف دیگری در مورد قاعده تزاحم را می‌آوریم که براساس آن: هرگاه دو حکم (دو قانون) هردو فعلیت داشته و تصادفاً بر عهده‌ی مکلف قرار گرفته باشد و امکان نداشته باشد که مکلف هردو را با هم امتثال کند، گویند بین آن دو تزاحم است و آن دو را حکمین متزاحمین می‌گویند (۲۸). در کتب اصول فقه برای تزاحم حالات و اقسام متعددی ذکر نموده‌اند، ازجمله حالتی که عمل ممنوعه، مقدمه‌ی عمل لازم و واجبی قرار گیرد مانند این که برای نجات یک انسان در حال غرق شدن لازم بشود که بدون اجازه‌ی صاحب ملکی وارد آن ملک شوند، در این‌جا تصرف تملک غیر بدون اجازه‌ی صاحب آن یا غصب که عمل ممنوع و غیرقانونی است مقدمه‌ی نجات غریق است و فرد مکلف در موقعیتی است که توان انجام هر دو تکلیف، یعنی پرهیز از ورود به ملک غیر و نجات غریق را ندارد.

ج) قاعده اضطرار

یکی دیگر از قواعدی که از نظر محتوا و آثار با دو قاعده پیشین اشتراک دارد، قاعده اضطرار است؛ اگرچه در خصوصیات با آن‌ها یکی نیست (۲۹). تمام ادلّه‌ای که برای قاعده نفی عسر و حرج، لاضرر و نیز اصل تساهل و تسامح در شریعت اقامه شده دلیل بر حجیت قاعده ضرورت و اضطرار نیز می‌باشد و بلکه به طریق اولی، شامل حالت اضطرار نیز می‌گردد (۳۰). به‌طور کلی اضطرار وضعیتی غیرقابل تحمل است، به‌طوری که هرگاه مکلّف در آن قرار گیرد، فقط با ارتکاب حرام یا ترک واجب بتواند از آن رهایی یابد. ریشه‌های اضطرار، یکی از موارد اکراه، تقیه، ضرر (ضرری که عادتاً قابل تحمل نباشد و ترس از آن عقلایی باشد) و ضرورت (مشقت یا حاجت شدیدی که عادتاً قابل تحمل نباشد) است. به‌طور کلی اضطرار، وضعیتی غیر قابل تحمل است، به‌طوری که هرگاه مکلف در آن قرار گیرد، نتیجه آن یکی از این سه حالت است: انجام فعل حرام، ترک واجب و یا تلفیقی از هردو (۳۱). بعضی از استنادات قرآنی در مورد قلمرو کاربرد این قاعده نشان می‌دهد که ارتکاب حرام در حالت اضطرار سه شرط دارد: قصد مرتکب کار انجام یافته از روی اضطرار، نباید ستمگرانه باشد (عدم بغی) و نباید متجاوزانه (عدوانی) باشد و همچنین وی نباید گرایش به گناه داشته باشد (غیرمتجانف). سقط جنین اضطراری نیز تابع همین شرایط است.

سرایت اجمال خاص به عام

از قواعد مهم استنباط در فقه، ممکن نبودن تمسک به‌دلیل عام در فرض وجود شبهه در دلیل خاص است (۳۲ و ۳۳). براساس این قاعده، در مفهومی که مشخص نیست ذیل عنوان دلیل عام قرار می‌گیرد یا دلیل خاص، امکان استناد به هیچ یک از دو دلیل وجود ندارد. بنابر دلیل حرمت سقط، به‌صورت کلی سقط

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

حرام است و از سوی دیگر قاعده حرج رافع تکلیف است. در وضعیت حرج پدر، مکلف با این ابهام روبه‌روست که در فرض آن، حرمت سقط جنین منتفی می‌شود یا رافع حرج نیست و حرمت سقط جنین باقی است؟ چنین تردیدی می‌تواند مانع از تمسک به دلیل عام (حرمت سقط) گردد. در این وضعیت نمی‌توان با تمسک به دلیل عنوان اولیه، شخص را ملزم به امتثال آن دانست؛ در نتیجه، این مورد تحت هیچ یک از دو دلیل قرار نمی‌گیرد و باید به قواعد عام دیگری مراجعه شود. دو اصلی که به‌نظر می‌رسد می‌توان به آن مراجعه کرد اصل احتیاط در دماء و اصل عملی استصحاب است که در این قسمت به آن‌ها می‌پردازیم.

گفتار سوم: نقد ادله و جمع‌بندی

در کلمات برخی از فقها به حرج والدین و اطرافیان اشاره شده مبنی بر این‌که اطلاق ادله حرمت اسقاط جنین همانند اطلاق ادله سایر احکام اولیه محکوم دلیل نفی حرج است و بیان شد که ادله‌ی نفی حرج که از ادله‌ی عناوین ثانویه محسوب می‌شود بر ادله‌ی حرمت اسقاط جنین حکومت داشته و مقدم است؛ بنابراین اگر تشخیص قطعی داده شود که جنین به‌گونه‌ای ناقص است و یا بیماری‌ای دارد که زنده به دنیا آمدنش موجب حرج والدین باشد و موجب مشقت شدید می‌شود مشروط بر این‌که روح در آن دمیده نشده باشد این تحریم از او نفی می‌شود. به بیان دیگر، در این وضعیت اگر اسقاط بر زن باردار حرام و به ترک اسقاط ملزم شود موجب مشقت فوق‌العاده برای او و اطرافیان خواهد بود؛ پس این تحریم از او نفی می‌شود و اسقاط آن بر وی حرام نخواهد بود (۳۴).

اطلاقات و عموماتی که برای حرج از آیات گرفته شده است که این اطلاقات و عمومات شامل حرج پدر هم خواهد شد؛ لذا مجوزی برای رفع حکم حرمت سقط جنین خواهد بود و این اطلاق‌گیری صحیح نمی‌باشد.

۳- دیدگاه عدم جواز سقط جنین در فرض حرج پدر

گفتار اول: تبیین فقهی حکم عدم جواز

نوعاً فقها حرج پدر را دخیل در حکم جواز سقط نمی‌دانند و تنها حرج مادر را ملاک می‌دانند.

در رساله توضیح‌المسائل آیت‌الله سیستانی چنین آمده است:

«انداختن حَمْل پس از انعقاد نطفه جایز نیست، مگر این‌که باقی ماندن حمل برای مادر ضرر جانی داشته باشد، یا مستلزم حرج شدیدی باشد که معمولاً تحمل نمی‌شود که در این صورت قبل از دمیدن روح و جان گرفتن جنین اسقاط آن جایز است و بعد از آن مطلقاً جایز نیست حتی بنا بر احتیاط واجب در صورت داشتن ضرر یا حرج مذکور و اگر مادر حمل خود را بیندازد، دیه آن بر مادر واجب است و باید آن را به پدر یا دیگر ورثه‌اش بپردازد و اگر پدر حمل را بیندازد، دیه‌اش بر او واجب است و باید آن را به مادر بپردازد» (۳۵).

ادله‌ی فقهی عدم جواز

در این قسمت ادله مربوط به عدم جواز سقط جنین در موضوع حرج پدر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بند اول: ادله لبّی

در این قسمت ادله لبّی برای عدم جواز سقط در فرض حرج پدر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) عقل

حکم عقل به قبح ظلم در حق غیر در صورت تطابق بر مسئله سقط جنین می‌تواند در موضوع مورد استناد قرار گیرد. لازمه چنین استنادی اثبات ظلم بودن سقط جنین است. عقل این را درک می‌کند که سقط جنین در صورت عدم رضایت مادر، نوعی ظلم به مادر و هم ظلم به حیات فرزند می‌باشد و ظلم هم از دیدگاه عقل فطری قبیح است پس باید ترک شود.

صدق ظلم به مادر از این باب است که مادر زحمت پرورش جنین را متحمل است و نسبت به آن دارای حق و احساس مادرانه است و سلب چنین حقی از وی می‌تواند از بزرگترین ظلم‌ها قلمداد شود. جنین نیز به‌عنوان موجودی دارای حق حیات در صورت سلب چنین حقی ظلم در حق جنین است.

حق حیات برای جنین قبل از ولوج روح عقلا ثابت نیست و نمی‌توان آن را پذیرفت اگرچه سقط جنین به‌صورت کلی بدون دلیل، در نزد عقلا قبیح است؛ ولی نمی‌توان پذیرفت در نزد عقل چنین قبحی وجود دارد. ولی ظلم به مادر قابل انکار نیست و به‌نظر می‌رسد می‌توان عقلاً حکم به قبح سقط بدون رضایت مادر کرد ولی درصورت وجود حرج برای مادر شرعاً مجوز وجود خواهد داشت.

ممکن است این اشکال مطرح گردد که مجوز شرعی کاشف از نبود قبح عقلی است؛ زیرا در فرض حکم عقل به ظلم قطعا شارع حکم به جواز نمی‌کند؛ زیرا عقلاً حکم شارع به ظلم محال است.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

پاسخ این است که احکام عقلی به قبح و حسن افعال، همیشه ذاتی نیست؛ بلکه می‌تواند اقتضایی باشد و تغییر عنوان موجب رفع قبح یا حسن آن فعل گردد مانند دروغ که عقلا فعل قبیحی است ولی در برخی از موارد با عناوین دیگر قبح آن برطرف می‌شود. مورد ما نیز از همین قبیل است و سقط با حرج مشقاتی مادر و قبل از ولوج روح ممکن است جایز شود.

ب) ارتکاز عقلایی بر قبح سقط

دلیل دیگری که قابل استناد برای اثبات مبنای عدم جواز است مبنای ارتکاز عقلایی بر قبح سقط است. به این صورت که عقلا سقط جنین را عملی قبیح می‌شمارند ومجرد مشقت را مجوزی برای آن نمی‌پندارند. در نتیجه با استناد به ارتکاز عقلائی می‌توان ادعا کرد که سقط جنین به بهانه حرج پدر امری ناپسند عقلائی است و از آن‌جا که چنین ارتکازاتی مورد تأیید عقلا قرار گرفته و با توجه به اینکه شارع خودش یکی از عقلاست، می‌توان رضایت معصوم را از آن کشف کرد.

ج) ارتکاز متشرعین بر قبح سقط

یکی از دلایل دیگر که می‌توان از آن حکم شرعی استنباط کرد ارتکاز متشرعین است. ارتکاز متشرعین از این باب که ناشی از تشرّع و دیانت متدینین به شریعت است و برگرفته از گفتار و رفتار شارع است و قابلیت استنباط احکام شرعی را بدون نیاز به امضا دارد. از ارتکازات متشرعین این است که سقط جنین در حرج و مشقت پدر را امری قبیح و منکر قلمداد می‌کنند. این ارتکاز قطعی است و براساس فتاوای فقهای شریعت نشأت گرفته شده است و بر این اساس نمی‌توان مجوز سقط را در حرج پدر صادر کرد.

بند دوم: ادله نقلی

از اطلاق برخی از ادله برای اثبات نظریه عدم جواز می‌توان بهره جست که در این قسمت به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

الف) آیات

در مبانی فقهی در خصوص عدم جواز سقط جنین به مستنداتی اشاره شده است که در ذیل به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت:

الف: آیه ۳۳ سوره اسراء

خداوند می‌فرماید: «لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِیِّهِ سُلْطَاناً فَلایُسْرِفْ فِی الْقَتْلِ إِنَّهُ کَانَ مَنْصُوراً» و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه به حکم حق مستحق قتل شود و کسی‌که خونش به مظلومی و ناحق ریخته شود ما به ولیّ او حکومت و تسلط (بر قاتل) دادیم پس (در مقام انتقام) آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود.

با توجه به اینکه این آیه ناظر به پس از ولادت است، اما با توجه به اینکه جنین با ولوج روح شامل نفس محترمی می‌شود که در این آیه اشاره شده است، لذا سقط جنین یعنی قتل نفس محترمی که در این آیه بیان شده است و آیه اشاره دارد که خداوند قتل نفس محترم را حرام کرده است.

ب) روایات

مستند فقهای إمامیّه در حکم به عدم جواز سقط جنین حتی قبل از ولوج روح، روایات متعدّدی است که به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَیْنُ بْنُ سَعِیدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ وَ حُسَیْنٍ الرَّوَّاسِیِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبَلَ فَتَشْرَبُ الدَّوَاءَ فَتُلْقِی مَا فِی بَطْنِهَا فَقَالَ لَا فَقُلْتُ إِنَّمَا هُوَ نُطْفَةٌ قَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَا یُخْلَقُ نُطْفَةٌ» (۳۶).

اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام موسی کاظم (ع) عرض کردم زن از باردار شدن می‌ترسد ودارو می‌نوشد تا آنچه در شکم دارد بیفتد امام فرمودند: این کار را نباید کرد. گفتم نطفه‌ای بیش نیست! فرمود: نخستین چیزی که آفریده می‌شود نطفه است.

اطلاق این روایات دال بر حرمت سقط برای همه حالات است و فقط مواردی که به صورت قطعی از آن خارج می‌شود مانند حرج مادر از آن استثنا شده است.

٤- نقد ادله و جمع‌بندی

در این قسمت به نقدهای وارده به ادله می‌پردازیم و در انتها جمع‌بندی حاصله را ارائه می‌کنیم.

در خصوص بحث عدم جواز سقط جنین بر فرض حرج پدر ادله‌ای که ذکر شد مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد که حرج پدر هم می‌تواند رافع حکم حرمت شود که شایسته هست این نقدها بررسی شود.

مبنای اصلی شناسایی حق سقط درمانی جلوگیری از عسرت و سختی ناشی از تولد فرزند است. این عسرت صرفاً متوجه مادر نیست و پدر را نیز به شدت دچار مشکل می‌کند. علاوه بر مشکلات روحی–روانی و اجتماعی فوق، هزینه‌های نگهداری و درمان چنین فرزندی بسیار سنگین و بر عهده ولی او یعنی پدر خواهد بود؛ بنابراین فلسفه حق سقط درمانی پیشگیری از چنین عسرتی است که محدود به مادر نمی‌شود.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

در این باره آیت‌الله مکارم شیرازی چنین فتوا داده است: «هرگاه در مراحل ابتدایی جنین باشد و جنین به‌صورت انسان کامل در نیامده باشد و باقی‌ماندن جنین در آن و سپس تولد ناقص آن باعث عسر و حرج شدید برای پدر و مادر گردد، با این شرایط مانعی ندارد و احتیاطاً باید دیه را بدهند» (۳۷).

ملاحظه می‌شود که ایشان در فتوای خود عسر و حرج پدر و مادر را مورد توجه قرار داده‌اند و این اقدام را از جانب هریک از آنان مجاز می‌دانند. همچنین از ایشان سؤال شده است در صورتی‌که با وجود خطر جانی برای مادر و یا تحمیل عسر و حرج شدید به‌دلیل معلولیت بر خانواده و به‌ویژه پدر که باید نفقه او را بپردازد، زن حاضر به انجام سقط درمانی نشود، آیا شوهر می‌تواند از باب ریاست خانواده زن را مجبور به این اقدام کند؟ ایشان پاسخ داده‌اند درصورتی‌که قبل از دوران چهارماهگی باشد و تولید ضرری برای زن نکند، جایز است (۳۸).

از سیاق آیات وروایات چنین برداشت می‌شود که می‌توان از این آیات و روایات که اطلاق و عمومیت دارند را به بحث حرج پدر هم شمولیت داد و این اطلاق‌گیری و عمویت شامل خصوص مسئله ما هم خواهد شد. از دیگر ادله‌ای که برای حرمت سقط جنین و عدم جواز سقط جنین ذکر شد عقل است؛ زیرا عقل دلالت دارد براین‌که ظلم حرام است و سقط جنین نیز ظلمی فاحش است؛ چون این کار تعدی و تجاوز به حقوق جنینی و مادر است.

عقل در جایی حکم می‌کند که کشتن قبیح است به این صورت که عقل حکم می‌کند بر این نوع کشتن و از بین بردن که جنینی که در حال رشد و کمال و انسان شدن است جنایت و ظلم است و ظلم قباحت دارد و لکن در باب تزاحم با مصلحت أهم، همین عقل حکم می‌کند بر حفظ مصلحت اهم و عقل همان‌گونه که ظلم به مادر را قبیح می‌شمارد ظلم به پدر و اجحاف در حق وی و سایر خانواده را نیز تقبیح می‌کند و چون طبق فرض تولد فرزند ناقص پدر و سایر اعضای خانواده را در حرج قرار می‌دهد در نتیجه نمی‌توان به‌طور جزمی درک عقل به قبح چنین فعلی را ابراز کرد.

ارتکاز عقلائی نیز یکسان نیست و از طرفی ارتکاز متشرعین نیز درصورتی‌که حرج مادر موجب جواز سقط است مانعی از جواز سقط به واسطه حرج پدر نخواهند دید. علاوه‌براین چنین ارتکازی به‌دلیل احتمال عدم اتصال به زمن معصوم و نشأت از ادله و فتاوا فاقد اعتبار است. نسبت به اعتبار استصحاب به دلیل احتمال تغییر موضوع اطمینان کافی وجود ندارد و اصل احتیاط در دماء نیز قبل از ولوج روح در هاله‌ای از ابهام است.

نتیجه‌گیری

مطالعه ادله دو دیدگاه (۱- دیدگاه جواز سقط جنین در فرض حرج پدر ۲- دیدگاه عدم جواز سقط جنین در فرض حرج پدر) نشان داد اثبات هریک از دو نظریه دارای ادله قابل اعتنایی است. برای رسیدن به دیدگاه منتخب باید این ادله مورد ارزیابی قرار گیرد تا برایند از ادله و در نتیجه نظریه منتخب به‌دست آید. پس از بررسی این دو دیدگاه، چنین به دست آمد که با توجه به ادله لاحرج و سایر ادله ثانویه سقط درمانی قبل از ولوج روح را می‌توان ازجمله حقوق پدر به‌شمار آورد که وی می‌تواند با مبادرت به انجام آن، کیان خانواده خود را به واسطه حرج حفظ نماید. حق پدر در کنار مادر، در بارداری‌های پرخطر برای مادر یا جنین ناقص از پشتوانه فقهی برخوردار است و آیات و روایات زیادی در راستای وجوب حفظ نفس وارد شده است که به استناد آن می‌توان از اقدام مادر در راستای حفظ نفس خویش، حمایت کرد و و ادلّه‌ای که در راستای حرمت سقط جنین پس از ولوج روح وارد شده است، توان مقابله با ادله جواز سقط درمانی را ندارند؛ لذا نمی‌توانند دلایل جواز را خدشه‌دار نماید.

بنابراین بیان می‌گردد که حکم ممنوعیت سقط یک حکم اولیه است. چیرگی قواعد حاکمه فقهی «اضطرار» و «لاضرر»، «عسر و حرج» چون قادر است به‌صورت ثانویه حکم حرمت اولیه را برداشته و جواز سقط را صادر نماید.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر از اصول اخلاقی پیروی شده است؛ مقاله به صورت مروری بوده و در نگارش مطالب آن بدون جانب‌داری و از منابع متعدد و معتبر علمی بهره‌برداری شده است.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌نمایند که تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

تقدیر و تشکر

از دانشگاه علوم پزشکی بابل به جهت فراهم‌سازی امکان دستیابی به منابع الکترونیک و بانک‌های اطلاعاتی گوناگون تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

References

1. Moreau C, Shankar M, Glasier A, Et Al. Abortion Regulation In Europe In The Era Of Covid-19: A Spectrum of Policy Responses. Bmj Sexual & Reproductive Health. 2021; 47(4): e14.
2. Johari A. Al-Sahah. Vol 3. Beirut: Darulelm; 1984. 11132. [Arabic]
3. Ibn Manzoor J. Lesan Alarab. Vol 7. Beirut: Daresader; 1993. 316. [Arabic]
4. Tosi M. Al-Nahiya Fi Majard Fiqh And Al-Fatawi. Vol 2. Qom: Imam Hadi Institute; 1979. 387. [Arabic]
5. Moeen M. Persian Dictionary. Tehran: Frhng Nama; 2009. 1002. [In Persian]
6. Ibn Manzoor J. Lesan Alarab. Vol 7. Beirut: Daresader; 1993.105. [Arabic]
7. Gurji F, Soltani Nesab R. Human Embryology (Study of Natural and Unnatural Human Development). Vol 1. Tehran: Jihad Danshgahi; 1988. 6. [In Persian]
8. Helli H. Tazkerat Al-Foqaha. Qom: Al-Bait Le Ehya Al-Torath Institute; 1979. Vol 1 326.
9. Stanely K,Henshaw P. Induced Abortion: A World Review. Family Planning Perspectives. 1990; 22(2): 76-89.
10. Ghiasi J, Habibi Z. Interference Rule In Therapeutic Abortion. Islamic Law. Jurisprudence Researches Journal. 2015; 11(41): 6-14. [In Persian]
11. Rashidpouraie R, Sharifi MN, Rashidpouraei M. Abortion Laws and Regulations in Iran and European Countries During the Covid-19 Pandemic. J Arak Uni Med Sci. 2020; 23(5): 686-97.
12. Tabibi Jebeli M. An Analysis of The Theory of Permission of Abortion From the Viewpoint of Shia't Jurists. Biannual Scientific Journal of Comparative Law. 2003; 37: 75-96.
13. Tabatabaei M. Minhaj Al-Salehin Vol 2. Beirut: Dar Al-Taarof For Publications; 1989. [Arabic]
14. Najafi M. Jawaharlal Kalam in Explanation of The Laws of Islam. Vol 4. Qom: Islamiah; 1983. [In Persian]
15. Tusi M. Al-Khilaf Fi Al-Ahkam Vol 5. Qom: Islamiah; 1999. [Arabic]
16. Makarem Shirazi N. Bohuth Feghiah Hammah Vol 5. Qom: Ali Ibn Abi Talib Institute; 2001. [In Persian]
17. Mohseni M. Al-Fiqh Va Al-Masal Al-Tabaiah. Qom: Bustan Ktab; 2005. [Arabic]
18. Hosseini Khamenei A. Medical Rulers, Abortion Rules. Tehran: Office of the Supreme Leader; 2023. [In Persian]
19. Holy Quran; Surah Al-Isra, Verse 31.
20. Hosseini Shirazi M. Alfiqah Traffic and Travel Etiquette. Beirut: Al-Mujtabi Foundation; 2000. [Arabic]
21. Holy Quran; Surah Al-Maede, Verse 6.
22. Mohagheq Damad M. Rules of Jurisprudence (Civil Section). Tehran: Samt; 2002. p.83. [In Persian]
23. Mohagheq Damad M. Rules of Jurisprudence (Civil Section). Tehran: Samt; 2002. p.84. [In Persian]
24. Coleini. Al-Kafi Vol 3. Qom: Dar Al-Hadith; 1986: 33. [Arabic]
25. Abbaspour M. Jurisprudence and Principles: The Harmless(La Zarar) Rule. Hekmat Sinavi. 1999; 1(6): 6-13.
26. Alimoradi A. The Rule of Prohibition of Difficulty and Embarrassment. Jurisprudence and Principles of Law for Babol Unit. 2005: 1(6): 143-52.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]

27. Meshkini M. Terminology of The Principles and Its Most Researches. Qom: Alehadi; 1995. [In Persian]
28. Salvati M. The Jurisprudential Foundations of Islamic Government. Collection of Ayatollah Montazeri's Lectures. Tehran: Keihan Institute; 1988. Vol 8. p.401. [In Persian]
29. Salvati M. The Jurisprudential Foundations of Islamic Government. Collection of Ayatollah Montazeri's Lectures. Tehran: Keihan Institute; 1988. Vol 8. p.86. [In Persian]
30. Watani A. Punishment for Abortion and the Necessity of Amending Article 622 of the Islamic Penal Code. Matin. 2002; 1 (23): 39-47. [In Persian]
31. Rouhani N. Noghani F. Medical Jurisprudence. Tehran: Tabib; 2005. [In Persian]
32. Mirza Qomi A. Ghnayem Alayam Fi Msaele Al Halale VaLharam. Qom: Islamic; 1999.Vol 4. p.66. [Arabic]
33. Naraghi A. Mostnd Alshiah Fi Alahkam Alshariah. Qom: Al Al Bayt Institute, Peace Be Upon Him; 1994. Vol 4. p.301. [Arabic]
34. Paqaeni M. Al-Mabssut Fi Fiqh Al-Masael Almoaserah. Qom: Jurisprudential Center of Athar Imams; 2003. Vol 1. [Arabic]
35. Sistani A. Population Control Orders. Najaf: Office of Ayatollah Sistani; 2022. Available at: https://www.sistani.org/persian/book/50/3732. [Arabic]
36. Sadouq M. Man La Yahzor Alfagih . Qom: Islamic; 1992. Vol 4. p.171. [Arabic]
37. Makarem Shirazi N. Jurisprudential Opinions of Ayatollah Nasser Makarem Shirazi on Various Issues Related to Abortion and Prevention of Sperm Coagulation (Birth Control) Vol 2. Compiled By Seyyed Hossein Fatahi Masoom. Mashhad: University of Medical Sciences; 2010.
38. Makarem Shirazi N. Abortion Rulings. Qom: Office of Ayatollah Makarem Shirazi; 2022. Available at: https://makarem.ir/ahkam/fa/category/index/46945.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-10-07]